

خبر های تلگرافی دیشب

واشمگتن۔ بقرار اظہار خبر گزاری انکس

نیروی آلمان بهت باختر می باشد . هر چند تا سال ۲۰۱۰ گویا هنوز در تصرف آلمانی ها باشد ولی موقعیت آن برای نیروی آلمان خطرناک است . نماینده فرماندهی عالی نیروی آلمان طی تشریح وازگون شدن اوضاع آن نیرو بملت آلمانی تاکید کرده که آلمان تا نظری

بورن - بنا باظهار خبرگزاری انگلیس
خبرگزاری رسمی آلمان اطلاع داده است که
عده ای از روزنامه نگاران و دیگر اتباع امریکا
در آلمان باز داشته شده اند. خبرگزاری
آلمان در اینخصوصی خاطر نشان کرده که این

مجلس شورای ملی

بقیه نطق آقای توپخت از صفحه اول

ساخته و پرداخته شود در هنگام عمل تحریر

و تصحیف می یابد.

موضوع خواربار و امنیت کشور بیش از

همه نوع اصلاحی مورد رعایت و دقت است.

آقای نخست وزیر هم در نقاشان باین نکته

اشاره فرمودند و بنده من در این خصوص

اطناب و تاملی لازم نیست، خوب است امین

کشور را می باید در آینده دولت مهم این

سازمان بشمار برود بدست مرد امین و درست

کاری بپایانده که در افکار و کردار و مامورین

نماینده و در عویش ای اتومبیل چهار اتومبیل

لوکس از آخرین سیستم برای وجود شریف

خودشان اختصاص دهند.

افراد امین که در بعضی نقاط بلوچستان

و کویر هفت فرسخ بهشت فرسخ پست دارند

و هر پستی از هر طرف تا هفت فرسخ آب

آفامیدنی وجود ندارد بیشتر محتاج اتومبیل

می باشند یا روسای محترم که چهار اتومبیل

قطار کش درپ دولت برای ایشان ایستاده

باشد، همین سال پیش بود که یک نفر امین

پنجراه در یکی ازینها دو روز نشسته مانده

بود اتفاقا اتومبیل پاری عبور می کرد آن

پنجراه برای تحصیل آب جلو اتومبیل ایستاد

و پانی او را کمر قطع شد و جان داد شاید

آقایان روسا هم اندک نازی ندارند.

آقایان وزیران روسا که تازه بر سر

کار ایستادند از تکلیفات جدید نظم همین

لکه را آموخته اند که چند اتومبیل جدید را

از آخرین سیستم برای خودشان و خانواده ها

از پول مردم رنجبر اتباع کنند و بر روی این

ترتیب هرگز کشور اصلاح نخواهد شده سابقا

ما خوانستیم درباره ایل ها و عشیره ها حکم

اسکان را جاری کنیم باید صدیق کرده خوب

از عهد زاریامانم چرا ؟ برای آنکه ما مورین

اگرچه را نگوییم می توانیم بگوییم که اکثر

طماع و لایق بودند و این هرج و مرجی

که در اسکان آنها رخ داد تماماً قصیر ما مورین

بوده و الان هم اگر علایقند با اصلاح کشور

بایم باید اول ویش از همه چیز دقت کنیم

و آنها را که بر سر کار می گذاریم و امور کشور

را با آنها سپاریم باید امین و مسلح باشند

ما مورین که توانست خوب بر سر کار بمانند

در وقت بود. در مصلحت نمی گزاید شود اوصاف

لیت او مصلحت است او خودش موجب اختلال

امنیت است.

آقایان محترم همین که از این سخن ما مورین

روسانا دستور ما اصلاح شود ؟

درختی که تلخ است وی را سرشت

یک موضوعی که مکرر از طرف آقایان

نمایند مخصوصا آقای فدوی میفرمودند دولت

قد موضوع آنها ای است که هنوز بی جهت

و بدو نگاه در زندان هستند از این بالا تر

اجتماعی سپاری- در حق هر اینه توقیف شده

و ثبت نظر هستند و بر سرشان چند نفر مامور

آگاهی ایستاده است و سیره اند که از تهران

نگان بفرزند.

چندی قبل بین اطلاع دادند :

چماقیت بدینست که سالیات از خیاله

و زندانی خود دور مانده اند و امروز بنحاله

سیاه نشسته اند و معلوم است که هیچ گناهی

نداشته اند هنوز هم در تهران توقیف هستند.

من برای اطلاع رفتم بقیه از چه

قرار است ، خدا می داند که توصیف حال آنها

گریه آور است تصور فرمایید یک خرابه که

جرگوش و شک و لاف مردار در یک چیزی

نست، در میان چهار دیوار و یک سگی که نه

مالی آتاپ تابستان است و له باران زمستان

بر روی یک لنگه صبر پاره عده زبانی می

کار و متعبر نشسته بعضی از آنها سابقا مرضی

شده و مرده اند، و بعضی مبتلا بپ و توبه

و پاره رانیمیم دچار و بیهوش گشته، و نوا،

لخت و عریان به بالابوش بدست آورده اند،

اینها اسماش، تحت نظارت یعنی خدای نکرده

زندانی لیستند و گناهی توانسته اند بر سر

آنها من اینچنین مثلا یکی آمده است برود

بمشهد زیارت چون تهران رسیده است فهمیده

اند که از ایل کشانی است باو گفته اند که

در همین تهران باش و لازم نیست بگری.

دیگری را که دانسته اند، مثلا نامش رستم خان

یا فرامان خان است گفته اند او امانت نامه

معلوم میشود خدمت فرزند است و الا سمیرا

رستم خان است پس تو هم حق نداری از تهران

خارج بشوی. دیگری را بنحوی دیگر از همین

موقع توقیف کرده اند. من وقتی حالت

بار این جماعت را دیدم فوق العاده متراشیدم

چندی پیش آقای جهانپانی وزیر کشور آن

روز موضوع را طرح دادم ایشان هم اصفا

دشان سوخت و متعبر شدند من گفتن خوب

قصص کنید اسمای آنها را بنویسید بمن بدهید

آنها را بر مخزن کتب بنده بوظیفه وجدانی

خود عمل کنم اسمای ایشان را بنده مشتاق

دادم بر خودشان هم کاملا معلوم شد که

آنها ای قصص ندانم هم هستند که آنال شهر بانی

می نویسند که آنها را باو کنند در این بین

کاتبه سقوط یافت و بعد و زری دیگر برای

کثرت من فردید باقی جهانبانی که وزیر

راه هستند و سابقا وزیر کشور بودند یعنی مردم

که این موضوع را باقی وزیر کشور جدید

سابقه میدهد. همان روزی که آقای نخست

وزیر آقایان را برای معرفی بمنجس آورده

بودند آقای جهانپانی قول دادند که باقی

وزیر کشور خواهیم گفت یکی دو روز گذشت

و از آثار مرخصی این بیچارگان ندیدم

ناچار باقی جهانپانی قول کردند گفتند ایشان

روسانا باز آمده اند و منی خود خدمتشان

رفت متعبر بنیاز خوب.

آقای وزیر کشور تلون کردم پیش خدمت

آنها کرد که تشریف دارند ولی بنده موفق

بدرانجام نشدم.

من مدتی را چاشهر بانی دست از گریبان

این بدبخت ها بر نمی دارم.

اگر نتواند آنها را بدادگاه ببرد

بدرهم می آید و بدادگاه آدم بیگانه را کسی توقیف

می کند نمی تواند اگر این بدبخت ها و امثال

آنها را رها نکردند دولت را استیضاح خواهم

کرد.

موضوع مهم دیگر که در اصلاح ملی

کشور بسیار موثر است موضوع خواربار است

آقای نخست وزیر در ضمن بیان مین خوددیا

موده دادند و فرمودند (برای چندین ماهان

هر تهران تامین شده است و البته باز هم

اهتمام خواهد شد که انشاء الله خاطر همه از این

باب آسوده بوده و زحمتی وارد نیاید و

تنگرانی نرسد صورت نیاید (بنده نمیدانم آقای

نخست وزیر آیا خبر دارند که در ولایات و

ایالات و قرا و قسبات و شهرهای دور دست

ایران برای آذوقه یک مشتری برابست یا نه ؟

من از تکرار آنها و اطفاغنی کدر این

موضوع دارم حقیقا فرام می کنم که چه چیزی

عرض کنم مردم ایران خادم انتظار داشتند که

رئیس دولت نظرشان منوجه باقی قاطبانان باشد

نه تنها تهران، ایران عبارت است از تهران نیست

برج ماش درجور زماهی است جزو ایران

است که خوراک مردمی امروز یونجه استایی

مردم در بعضی از نقاط جنوب یونجه میخورند

در بعضی از نقاط مکران و ساحل جنوب مثل

چابهار و لنگه قحطی طبیعی حکمر مساحت

بسیوالت و چار پایسان خود عویش

عطف و جو ماهی میخورند انرا من سکه

خوراک چار پایان است خوراک مردمی معلوم

است که چیست. در دشت پاری که زمین حاصل

غیری است باو پیدا نمی شود در بعضی از

نقاط بلوچستان خوراک مردم پوست باره و چرم

حیوانات است.

از خاص بن نوشته اند که در اداره

کبیت غله خدمت زیاد در ابزارها موجود است

و مردم برای کسب حاصل در خورای فصد

و مال بفرزند اداره نمی دهند.

میستور اطلاع دارم که در زنجان دو

هزار گریه پنجاه کیلوسی قند در بازار ها

موجود است که نه بمصر زنجان میرسد نه

بناظر اطراف ایران حمل میشود. البته در سراسر

کشور اصلاح از سخن بسیار است درهای

قیدمان بقدری است که انسان از همدردن آنها

عاجز است.

یک اتفاق باغیانی که در پیش چشم

خودم واقع شد و خیلی از آن متاثرم عرض

آقای نخست وزیر و آقای وزیر کشور مهرسانم

که شهرداری و متبه و متوجه نمایند.

در هیچ جای دنیا دیده نشده که سیم

برق لغت در خیابانها کشیده شود در خیابانی

که منزل من واقع است چند روز پیش چشم

یک بچه که از مدرسه فریگشت و کشتنای یقینی

و لا باالی گری شهرداری شد اتومبیل باری

عبور کردیم بر روی باره نمود در خیابان

الته بچه که از مدرسه می آمد از پهلوی او

عبور کرد و باو اصابت نمود و تریش چشم

جای داد.

دیگر از مواد این بنامه تکلیف راهها و براه آهن

دردود استطاعت کشور است.

در خاطر هست در دوره ششم یاهتم

لایحه راه آهن بمنجس آورده شد و مطرح

و مورد تصویب واقع گردید در اطراف آن

لایحه مذاکرات زیاد شد بنده هم در باره

مذاکرات شرکت داشتم. آقایان دین هم

و وزیر فرهنگ بودند و در این مجلس تشریف

داشتند.

از این نوع راه آنها که امروز در

برنامه دولت نوشته شده است اسمی در آن لایحه

برده نشده است.

بن اطلاع پیدا کرده ام که اکنون در

خرمشهر راه آهن باهواری کشیده می شود من

نمی دانم از خرمشهر تا اهواز برای ما چه

پیش روی دارد.

همچنین در روزنامه ها خواندم که از

قزوین بهمدان و کرمانشاه و عسری خاقین

خط کشیده می شود که برای آن عراق وصل

میگردد.

بدینسان آنچه مایه پیشرفت و تسرعی

مل دیاست رای ما مایه بدبختی و تزل

می شود.

آن روزی که لایحه راه آهن را بمنجس

آوردند در دوره شش یا هشت هیچ درخیزه

ما خطوری نمی کرد که راه آن و سیه و خوشی

است و دیگر بدبختی بود هر چه بود میهندرس

و با سیه لازم نداریم که از کیسه بکشت

مردم فقیر و ناتوان و سائل آسایش دیگران را

نژاهم کنیم

ملتی که نان ندارد راه آهن می خواهد

چه بکند و متعبر گمان می کند باید دولت

از مجلس را بنحوی مخصوص اجازه بگیرد زیرا این

عملی عادی نیست.

خیلی عجیبی کنم در این برنامه دولت نای

از ارتش برده شده است آقای نخست وزیر

مهمتر از تمام آنچه عرض کردم نخستین

ماده این برنامه است چنانچه متعبر باید آوردم

اکنون در خانه منتظر خودم عرض می کنم که

ذکر این ماده در این برنامه هیچکس ضرورتی

ندارد بنده من قدر عدم ذکر آن ضروری

است و نه در ذکر آن نفع و نایدادی موجود

است و لایحی معانی آن بهیچوجه رای من

و شاید بعضی از آقایان من معلوم نیست مثلا

این عبارت که نوشته اند: « دولت با رعایت

کامل مصالح کشور مقتضی می داند با دولتی

منافع ایران با منافع آنها ارتباط ندارد

ایف » من نمی دانم چگونه منافع ایران میتواند

با منافع آنها ارتباط داشته باشد یا نه

باشد باید بر عکس باشد و منافع آنها با منافع

ایران ارتباط تام داشته باشد زیرا ما یک

کشور بطوری و دهو هستیم.

در این عبارت که ذکر شد می باید آید

نخست وزیر دقتی کامل مبدول فرمایند

و از من عقیقه دارم که ایشان مردی هستند

و از هم قار و توانا هستند که اینگونه موضوع

را بهتر از این حل و تصفیه نمایند.

در موضوع کلمه همکاران نزدیک نیز

بنده هیچ نمی فهم و بنده من به تهران است

که در نامه خود از این موقله چیزی رسد

فرما بدین (احتیاج نیست)

سبب آقایان حدت

نمودند که در شماره اردا چاپ خواهند شد.

و بعضی قسمتهای جنوب گرفتار نظام ولایتی

مغول هستند این کلام می شایست بجهت کردن

ما نیست که در عین حال که با قوای مهاجم

جنگ می کردیم.

در همان حال هنگام و لشکر ها و تنبها

را منحل میکردند و افراد را حکم مرخصی

توقیف می شدند.

بنده اطلاع پیدا کرده ام که سیه نیروی

در بانی ما را بقی منحل کرده اند چند روز

پیش هم در جرائد خواندم که اداره بازرسی

ارتش را هم منحل کرده اند و ریش و قیچی

را بدست بکفر سیرده اند.

گویا اخیرا توپخانه دریایی، صد پنج

بلند، کارخانجات مهمات، کارخانه طیاره

ساز، مصلحی، مسلسل سازی، تانک سازی،

